خونبهای حکیم چیست؟

مطلب زیر سرمقاله نشریه بازتاب به مسئولیت محسن رضائی است. این نشریه بازتاب‌گر مواضع گروه نیرومندی در میان سیاستگزاران خارجی جمهوری اسلامی است که اسرای اطلاع خوانندگان را رگذیدیم

انفجار خونین نجف که به شهادت آیت‌الله حکیم و جمعی از شیعیان عراق منجر شد، نقطه عطفی در دیگر حوادث عراق و حتی موقعیت جهانی جمهوری اسلامی و سرنوشت آن به شمار می‌رود.

صرف نظر از تحلیل‌های ساده‌انگارانه که این روزها از رسانه ملی و برخی مطبوعات منتشر می‌شود و آمریکا و یا گروهک مجاهدین خلق را عامل این فاجعه می‌داند، نکته‌های مهمی در این حادثه وجود دارد که غفلت از آن موجب زیان ملی خواهد شد، لذا به گونه‌ای فشرده به آنها اشاره می‌شود:

۱ ـ بدون شک شهادت آیت‌الله حکیم برای جمهوری اسلامی و شیعیان عراق، از دست دادن فرصت و نقطه اتکای مهمی به شمار می‌رود، اما این بدان معنا نیست که در وضعیت فعلی، تنها به عزاداری و ابراز تسلیت بسنده کنیم. با از دست دادن آیت‌الله حکیم، فرصت‌های جدید و فضاهای تازه نیز در اختیار شیعیان و جمهوری اسلامی قرار گرفته است که نباید از آنها ـ که به بهای گزاف خون انسان‌های مظلوم و بی‌گناه حاصل شده است ـ به سادگی گذشت. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۲ ـ بار دیگر بی‌تدبیری در سیاست خارجی ما و ناتوانی در پیش گرفتن مواضع سریع و هوشمندانه در جریان این حادثه ظهور یافت. نخستین موضع‌گیری رسمی دیپلماتیک جمهوری اسلامی که در دیدار وزیر خارجه و رییس کمیسیون سیاست خارجی مجلس با سولانا نمود یافت، تا آن اندازه سنفعلانه و تحقیرآمیز بود که بی‌شک به عنوان لکه سیاهی در کارنامه دیپلماسی جمهوری ثبت خواهد شد. ترور عالی‌ترین مقام سیاسی شیعیان عراق ـ که پیوند نزدیکی با ایران داشت ـ در واقع پاداش سه سال همکاری یکجانبه و خوش‌بینانه ایران با اروپا و آمریکا در افغانستان و عراق بود که اگر نبود، این حد از همکاری، درصدد ناچیزی از استقرار متزلزل کنونی مستحدین در دو کشور همسایه ایران نیز ایجاد نمی‌شد. بنابراین پس از این فاجعه، اروپا و آمریکا می‌بایست پاسخ مناسبی به کمک‌های جمهوری اسلامی بدهند، در مقابل نماینده اروپا با گستاخی در تهران از تهدید و تحت فشار قرار دادن ایران دم می‌زند و ما با کمال شگفتی، شاهد سکوت مردان سیاست خارجی کشور هستیم.

۳ ـ تاثیر شهادت آیت‌الله حکیم در کوتاه‌مدت، منافعی برای شیعیان عراق و ایران دربر خواهد داشت، همان‌گونه که ترورهای اوایل انقلاب در تثبیت نظام جمهوری اسلامی، نقش موثری ایفا کرد. کمرنگ شدن اختلافات داخلی گروه‌های مختلف شیعه، نمایان شدن مظلومیت شیعیان در عراق، تضعیف موقعیت گروه‌های رقیب شیعیان به ویژه اهل تسنن غیرکرد ـ که عمدتا از هواداران صدام به شمار می‌روند ـ در افکار عمومی جهان و دولت‌ها، امکان انتقال اختیارات بیشتر حکومتی به گروه‌های شیعه ـ به ویژه مجلس اعلا ـ و مردم عراق و موارد متعدد دیگر، از آثار شهادت آیت‌الله حکیم شمار می‌رود، اما پرسش اصلی اینجاست که چه برنامه‌ای برای پر کردن خلا آیت‌الله حکیم در درازمدت در جامعه شیعی وجود دارد. واقعیت این است که در ماه‌های اخیر مثلث آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله حکیم و سیدعبدالعزیز حکیم با هماهنگی هم، تنش موثری در تثبیت موقعیت شیعیان عراق داشته‌اند و اگر تکروی‌های یک گروه تندرو شیعی نبود، دستاوردها دوچندان می‌شد.

آیت‌الله سیستانی به عنوان مرجع شیعیان عراق، آیت‌الله حکیم به عنوان رهبر مذهبی ـ سیاسی و عبدالعزیز حکیم به عنوان یک چهره سیاسی فعال در حکومت انتقالی، حرکت‌های متعاملی را در جهت تثبیت استقلال شیعیان عراق انجام داده‌اند، اما اکنون باید در اندیشه پرکردن خلا آیت‌الله حکیم ـ به عنوان یک چهره موجه و دینی فعال در عرصه سیاسی و خارج از حاکمیت نیروهای اشغالگر ـ بود. در صورت نبود جانشینی مناسب، در آینده خسارات بنیادینی متوجه حقوق و منافع شیعیان عراق و موقعیت ایران خواهد شد.

۴ ـ مساله مهم دیگر، عاملان این انفجار است. اگر اثبات شود که عوامل القاعده برنامه‌ریزی و اجرای این جنایت را انجام داده‌اند، این سازمان می‌بایست منتظر پاسخ قاطع شیعیان باشد. واقعیت آن است که تا چند سال پیش، نوک پیکان حملات طالبان و القاعده، متوجه شیعیان و ایران بود، اما پس از جهت‌گیری‌های جدید رهبران این سازمان که بیش از همه در ۱۱ سپتامبر نمود پیدا کرد، آمریکا به عنوان هدف اصلی عملیات‌های تروریستی این گروه تعیین شد.

در این فاصله نوعی تغافل و تجاهل در برخی از مسئولان امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک ایران مبنی بر عدم تزاحم بین این گروه با مواضع جمهوری اسلامی ایجاد شده است که فاجعه نجف، مهر پایان قطعی بر این اندیشه سطحی و موضع سهل‌انگارانه است. در صورتی که القاعده عامل این انفجار باشد، مهار و برخورد با این تهدید از وظایف اصلی سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ـ به عنوان دو طیف اصلی مدافع حقوق شیعیان ـ است.

هنوز آثار کشتار بیش از یکصدهزار نفر زن و کودک مظلوم افغانستان که در مسز ارشریف، یامیان و دیگر نقاط کشور به دست عناصر سفاک طالبان و القاعده قتل‌عام شدند و نیز دیپلمات‌ها و خبرنگار بی‌گناه ایرانی که به وسیله این گروه قربانی شدند، از خاطره‌ها پاک نشده است.

پذیرفتن این امر تلخ است، اما حقیقت دارد که زمانی که در هنگام اشغال عراق و سقوط صدام حتی یک گلوله به حرم علی شلیک نمی‌شود و این مکان مقدس به عنوان محلی امن برای شیعیان حفظ می‌شود، به وسیله عده‌ای سبک‌مغز و تهی از تعالیم دینی، این حرم تخریب و غرق به خون می‌شود. اگر به راستی القاعده مسئول این جنایت باشد، حتی در صورت نفوذ تفکرات صهیونیستی یا مواضع سیاسی دولت‌های منطقه در این تشکیلات ـ که امری بعید هم نیست ـ این حادثه را باید پایان صبر و تسامح شیعیان در برابر این گروه قلمداد کرد.

۵ ـ و نکته آخر اینکه، آمریکا و متحدانش باید دریابند که خون این ۱۳۰ انسان، آخرین حد مسامحه شیعیان در عراق است و باید وقایع خونین یک ماهه اخیر عراق این حقیقت را برای آنان روشن کند که بدون اتکا به شیعیان و محور قرار دادن آنان، امنیت و ثبات در عراق به وجود نخواهد آمد.

اتلاف سرمایه

ادامه از صفحه ۱۲

حساسیت نشان می‌دهد. هیچ تلاشی در جهت تقویت و تحکیم خویشتنداری در تولید سلاح به عنوان یک ضابطه اخلاقی هنجاربخش به خرج نداده است. ضابطه‌ای که همه کشورها به پیروی از آن علاقه‌مند باشند. در عوض، این دولت تصمیم گرفته است که در درجه اول از طریق ابزارها و تهدیدهای نظامی با تکثیر هسته‌ای به پیکار برخیزد. آیا چنین بیکاری از این طریق کافی است؟

دریاسالار لوئل جاکوبی، رئیس آژانس اطلاعاتی امنیتی دفاعی کشور، اخیرا شهادت داد که «اتحادیه‌های جدیدی سرگرم روی هم انباشتن و یک کاسه‌کردن منابع اطلاعاتی خود هستند تا از این طریق برتری نظامی آمریکا را مختل یا با مانع روبرو سازند». روند جهانی شدن فناوری و منابع ضروری برای تولید سلاح‌های پیشرفته را بیش از گذشته در دسترس کشورها قرار داده است. جاکوبی هشدار می‌دهد: «حدود ۲۵ کشور دارای سلاح‌های کشتار جمعی بوده یا جستجو برای دستیابی به آن‌ها یا اجرای برنامه‌های موشکی را فعالانه پیگیری می‌کنند. طی دهه آینده، خطراتی که مصالح آمریکا و هم‌پیمانانش را تهدید می‌کند افزایش خواهد یافت».

رئیس جمهور آمریکا اوایل ماه جاری هنگامی که در آفریقا به سر می‌برد سطح انتظارات را در مورد این که ایالات متحده به تثبیت اوضاع لیبریا کمک کند بالا برد: رسالتی شریف که به سهم خود سیمای کاملا مخدوش‌شده دولت آمریکا را در کشورهای خارج ترمیم خواهد کرد. در عین حال، این خطر نیز در بین است که پنتاگون (وزارت دفاع) که تا هم اکنون از صلابت و امکاناتش تا حدی کاسته شده است، بکوشد با هزینه‌های اندک مساله لیبریا را به نحوی از انحاء حل و فصل کند و حیثیت آمریکا را در معرض مخاطره قرار دهد؛ لیکن، وزارت دفاع از قدرت و نفوذ به حد کفایت برخوردار نیست. ما این فیلم را قبلا هم دیده‌ایم که داستانش در سومالی اتفاق افتاد. ما اگر وارد لیبریا شویم، باید خود را آماده کنیم که رسالت خود را به درستی انجام دهیم.

من آدم خوش‌بینی هستم و به توان و قدرت هیات حاکمه آمریکا برای بسیج کردن افکار عمومی جهان در راه خدمت به مردمسالاری، عدالت و صلح ایمان بسیار دارم.

با این همه، رهبری بدون برخورداری از منابع و امکانات امکان‌پذیر نیست. برای امن کردن مرزها، فایق آمدن بر تروریست‌ها، حفظ و حراست از مواد هسته‌ای، ایجاد نهادهای مردمسالارانه، به وجود آوردن نظام‌های آموزشی که که در آن برای بردباری و تحمل افکار و عقاید سایرین ارزش و احترامی قائل شوند و کمک به کشورها برای آن که پس از خاتمه جنگ‌ها بتوانند آسیب‌ها و ویرانه‌های خویش را ترمیم کنند، به پول نیاز است. بنابراین من زمانی که می‌بینم کسری بودجه دولت فدرال در مجموع در سال جاری و سال بعد به یک تریلیون دلار بالغ خواهد شد، چاره‌ای جز تعجب و سردرگمی ندارم. رئیس جمهور آمریکا در باره «خشک کردن باتلاقی» که در آن تروریست‌ها رشد و نمو می‌کنند، مبارزه با بیماری ایدز، تحکیم و اعتلای توسعه و پیشرفت در کشورهایی همچون افغانستان، عراق و لیبریا و اجرای تعهدها در قبال آن کشورها، و وعده‌های بسیار داده است. آیا کاخ سفید و کنگره خواهند توانست به آن تعهدها و وعده‌ها وفا کنند، در حالی که افراد پلیس، ماموران آتش نشانی و معلمان مدارس، در داخل کشور به دلیل کاسته شدن از میزان بودجه کشور از کار برکنار می‌شوند؟ اگر ما وعده‌های رئیس جمهور را نادیده بگیریم و اجرای آن‌ها را ضروری نبینیم، دیگر اعتبار ایالات متحده چه آسیبی بیش از این خواهد دید؟

دو سال قبل، آمریکا دارای سرمایه دیپلماتیک عظیمی بود که حسن‌تیتی که ما در سراسر جهان از آن بهره‌مند بودیم بنیاد آن را تشکیل می‌داد. علاوه بر آن، ایالات متحده از سرمایه عظیمی نیز بهره‌مند بود که رهبری اقتصادی بین‌المللی شالوده آن محسوب می‌شد و سرانجام دارای مازاد بودجه‌ای بود که تا آن زمان سابقه نداشت. اکنون، انواع و اقسام سرمایه‌های ما تلف شده است و به جای منابع و امکانات یا دوستان چیزی برایمان باقی نمانده است.

من به عنوان کسی که در مناصب مسئولیت‌داری به خدمت اشتغال داشته‌ام می‌دانم که ابداع راه حل‌های عملی به مراتب دشوارتر از ارائه راه‌حل‌های تئوریک است. ماهیت جهان امروز مسئول بیشتر مسائلی است که گریبانگیر ما شده است. نه وجود دولت بوش و اعمال و رفتارش. با این حال، من اگر تصور کنم که دولت در حال آموختن از تجربیات خویش در طول راه خود است کمتر دچار نگرانی خواهم شد. آموختن از تجربیات خویش در طول راه خود است کمتر دچار نگرانی خواهم شد. آموختن از تجربیات در این زمینه عبارت است از آموختن شیوی جلب حمایت گسترده‌تر بین‌المللی از سیاست‌های آمریکا، کاربرد بهتر ابزارهای دیپلماتیک که مورد غفلت قرار گرفته‌اند. در تنقیم مسئولیت‌ها دقت بیشتر داشتن در قبال حقایق، به پایان رساندن آنچه آغاز شده است و ابداع سیاست‌های اقتصادی هماهنگ با نقش جهانی آمریکا.

سریعترین راه برای دستیابی به یک سیاست موثرتر امنیت ملی اذعان داشتن به ضرورت صلح امور است. تا زمانی که چنین چیزی تحقق نیافته است، ما همچنان سیر تهقرایی خود را در مسیر رسیدن به زمینه‌ای خطرناکتر ادامه خواهیم داد.

*مادلین آلبرایت از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ وزیر خارجه آمریکا بوده است.

ارگان مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی

پاسخ کمیسیون اروپا به یک نامه

در ژوئن سال ۲۰۰۳، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بلژیک و حزب توده ایران - بلژیک به صورت مشترک‌نامه‌ای خطاب به روسای کمیسیون اروپا و پارلمان اروپا در خصوص سرکوب و دستگیری‌های وسیع در ایران نوشتند. نامه مربوطه در نشریه کار در ماه ژوئن به چاپ رسید. در تاریخ ۱۸ ژوئیه از طرف آقای پرودی پاسخی به نامه دو سازمان مربوطه داده شد که متن کامل آن را در اینجا می‌خوانید.

از: کمیسون اروپا
بخش مدیریت ارتباطات خارجی
به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بلژیک
حزب توده ایران - بلژیک
بروکسل ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۳

از نامه مورخه ۲۲ ژوئن شما که خطاب به آقای پرودی رئیس کمیسیون اروپا نوشته بودید، سپاسگزارم. ایشان مرا مسئول پاسخ به نامه شما کردند. من با نگرانی شما در خصوص عدم رعایت حقوق بشر در ایران هم‌عقیده هستم. در مورد مسائل مربوط به حقوق بشر، اتحادیه اروپا معمولا در چارچوب گفتگوی کلی با ایران مرتبا به این امر می‌پردازد.

این گفتگوی کلی که از سال ۱۹۸۸، آغاز شد، طی جلساتی که در سطوح معاونین وزرا و دبیرخانه‌های دولت‌های اروپایی که هر شش ماه یک بار صورت می‌گیرد. ادامه دارد. از سوی دیگر، مذاکرات ویژه‌ای در رابطه با مسائل حقوق بشر در ایران نیز از ماه دسامبر سال گذشته آغاز شده است. با داشتن آرزوی تغییرات اساسی در چندین گستره در ایران، اتحادیه اروپا تصمیم گرفته است به جای برخورد مستقیم با ایران، از روش گفتگو در روابطش استفاده کند. به اعتقاد ما، این تنها روشی است که می‌تواند به نتایج مطلوب برسد.

از این موضوع که بگذریم، کمیسیون اروپا از تصمیمات اتخاذ شده توسط مقامات حکومتی بر علیه شمار زیادی از تظاهرات‌کنندگان ماه‌های ژوئن و ژوئیه، بسیار نگران است و با دقت این پرونده را از نزدیک دنبال می‌کند.

با بهترین آرزوها
کریستیان لوفلر
مدیر بخش ارتباطات خارجی

اطلاعیه وزارت کشور در باره ثبت‌نام از داوطلبان نمایندگی انتخابات مجلس

وزارت کشور ضمن اعلام زمان انتخابات، در باره ثبت‌نام از داوطلبان نمایندگی انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، اطلاعیه‌ای صادر کرد.

به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران، متن این اطلاعیه به این شرح است: با استعانت از درگاه خداوند متعال و تمسک به ارواح قدسی شهیدان و امام راحل، حسب پیشنهاد وزارت کشور و اعلام نظر موافق شورای نگهبان، اخذ رای برای انتخاب نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی در روز جمعه مورخ ۸۲/۱۲/۱ در سراسر کشور انجام خواهد شد.

داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی می‌توانند از روز ۸۲/۹/۲۲ تا ۱۳۸۲/۹/۲۸ جمعا به مدت ۷ روز در وقت اداری به فرمانداری‌ها و بخشداری‌های مرکز حوزه انتخابیه یا وزارت کشور و برای داوطلبانی که در خارج از کشور به سر می‌برند، به سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و یا نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران مراجعه و نسبت به ثبت نام خود، جهت داوطلبی مجلس شورای اسلامی اقدام کنند.

شرایط انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام به موجب ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

۱ - اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

۲ - تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران

۳ - ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه

۴ - حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم و یا معادل آن (به استثنای کسانیکه سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی را دارند)

۵ - نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه

۶ - سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی

۷ - حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام

اجلاس سازمان تجارت جهانی

پنجمین اجلاس سازمان تجارت جهانی از ۱۰ سپتامبر در کانکون مکزیک آغاز شد. مهمترین مساله این اجلاس مقررات ناظر بر محصولات کشاورزی است. کشورهای فقیر به شدت به قوانین حمایتی کشورهای ثروتمند از کشاورزان خود معترضند.

اتحادیه اروپا برای محصولات کشاورزی خود قیمت بالایی تعیین می‌کند. به این ترتیب کشاورزان تشویق می‌شوند حتی اگر این محصولات در داخل خریدار نداشته باشد، آنها را تولید کنند. سپس دولت‌ها برای اینکه بتوانند در خارج برای آنها بازار پیدا کنند، سالیانه ۲/۵ میلیارد دلار یارانه پرداخت می‌کنند و از این طریق قیمت‌ها را در بازار جهانی می‌شکنند و بعد برای اینکه محصولات ارزان خارجی وارد کشورهای اتحادیه اروپا نشود گمرک سنگینی برای آنها تعیین می‌کنند. ۴ کشور فقیر بنین، چاد، بورکینوفاسو و مالی از آمریکا می‌خواهند که یارانه به تولیدکنندگان کتان را قطع کند و گمرک همه اجناس را کاهش داد. آنها می‌گویند سالیانه ۲۵۰ میلیون دلار به خاطر این یارانه‌ها از دست می‌دهند. در حالیکه ایالات متحده در سال گذشته تصویب کرد که دهه آینده ۸۲ میلیارد دلار به یارانه محصولات کشاورزی اضافه کند.

اتلافی از کشورهای فقیر موسوم به گروه ۲۱ شامل چین، هند برزیل تهدید کردند تسلط ثروتمندان را بشکنند. رابرت زولیک نماینده آمریکا، تلاش می‌کند از طریق رشوه به کشورهای فقیر آنها را از گروه ۲۱ بیرون کشیده و اتلاف را با تهدید و رشوه درهم بشکند.